دریچه

ارسال لایحه استفساریه برای تعیین‌تکلیف وضعیت افشانی

● **ایلنا:** مشاور پارلمانی شهرداری تهران تأکید کرد: شهرداری تهران برای مشخص‌شدن وضعیت بازنشستگی افشانی به مجلس شورای اسلامی لایحه استفساریه ارسال می‌کند. داریوش قنبری در مورد تصمیم شهرداری و شورای شهر برای ارائه استفساریه به مجلس شورای اسلامی در مورد تعیین‌تکلیف بازنشستگی شهردار تهران گفت: ما اول منتظر مانده‌ایم که نظر شورای نگهبان در این مورد مشخص شود؛ بعد از مشخص‌شدن نظر شورای نگهبان، قرار بر این است که ما به مجلس در این رابطه استفساریه‌ای تقدیم کنیم. وی توضیح داد: دو بحث در مورد آقای افشانی وجود دارد؛ یکی اینکه ایشان حدود دو یا سه سال پیش با ۲۷ سال سابقه خدمت خودشان را بازخرید کرده‌اند و مجددا به کار بازگشته‌اند؛ باید دید با توجه به اینکه بازخرید بوده‌اند و مجددا تحت پوشش بیمه قرار گرفته‌اند، بازنشسته محسوب می‌شوند یا تا ۳۵ سال می‌توانند خدمت کنند. مشاور پارلمانی شهرداری تهران ادامه داد: بنابراین یکی از نظرات این است که ایشان فعلا مشمول این قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان نیست و همچنان می‌توانند به کار خودشان ادامه دهند، اما ما فعلا منتظر هستیم تا مشخص شود آیا بازخریدی‌ها جزء بازنشسته‌ها هستند یا خیر، اگر ایشان مشمول باشند؛ یعنی بازخریدها هم جزء بازنشسته‌ها قرار بگیرند، در آن صورت ما استفساریه را تقدیم مجلس می‌کنیم. قنبری افزود: با توجه به اینکه شهردار تهران عضو کابینه دولت است، باید ببینیم نظر مجلس در مورد شهردار تهران مانند سایر اعضای کابینه است یا خیر؛ یعنی مثل معاونان و وزرای رئیس‌جمهور می‌توانند ادامه کار دهند که مجلس در این مورد تعیین‌کننده خواهد بود.

ایجاد ۴ راسته هنری در تهران

● **ایسنا:** رئیس کمیسیون فرهنگی و اجتماعی شورای شهر تهران درخصوص جزئیات پهنه فرهنگ و هنر در منطقه ۱۱ توضیحاتی را ارائه کرد. محمدجواد حق‌شناس با بیان اینکه ساماندهی پهنه رودکی را امسال در دستور کار قرار داده و از تمامی حوزه‌های شهرداری دعوت کردیم که در انجام این مهم ما را یاری کنند، ادامه داد: جلسات هر دو هفته یک‌بار با حضور همه مسئولان برگزار می‌شود و به مراحل خوبی نیز رسیده‌ایم، چراکه در اولین گام دفتر تسهیل‌گری بافت تاریخی را در تهران ایجاد کرده‌ایم و پیش از این تنها برای بافت فرسوده دفتر ایجاد می‌شد، اما حالا برای بافت تاریخی این دفاتر تسهیل‌گری ایجاد شده است. وی با بیان اینکه برای ساماندهی پهنه فرهنگی در منطقه رودکی چهار راسته را در نظر گرفته‌ایم، گفت: پهنه رودکی از شمال به خیابان انقلاب، از جنوب به خیابان نوفل‌لوشاتو، از شرق به حافظ و از غرب نیز به خیابان ولیعصر (عج) می‌رسد که در نظر داریم راسته کتاب را از میدان انقلاب تا چهارراه کالج ایجاد کنیم. حق‌شناس با بیان اینکه راسته صنایع دستی نیز از خیابان کریمخان زند تا انقلاب خواهد بود، اظهار کرد: راسته نمایش نیز در خیابان لاله‌زار قدیم از خیابان امام خمینی تا انقلاب است، اما باید برای چهارمین راسته که موسیقی است فکری کنیم. وی اظهار کرد: تمام تلاشمان را انجام می‌دهیم که در طول یک سال آینده این تغییر رویداد توسط مردم ملموس‌تر دیده شود.

افزایش طلاق صوری برای کسب درآمد بیشتر

● **شرق:** عضو کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: فرهنگ‌سازی برای ارتقای جایگاه خانواده مانع از سوءاستفاده از بند ۳ ماده ۴۸ قانون حمایت از خانواده و رواج طلاق‌های صوری می‌شود. علی رستمیان درباره سوءاستفاده از بند ۳ ماده ۴۸ قانون حمایت از خانواده که بر اساس آن زنان سرپرست خانوار مستمری دریافت می‌کنند، به این صورت که از طریق طلاق صوری از این امتیاز بهره می‌برند، گفت: در سنوات گذشته برخی افراد برای بهره‌مندی از مزایای معافیت از خدمت سربازی فرزندان نیز به این اقدام مبادرت ورزیده و حتی دو نفر از مسئولان هم در بین این افراد بودند. نماینده مردم دلفان در مجلس، ادامه داد: این زوج‌ها به صورت صوری از هم جدا شده بودند تا فرزندشان از خدمت سربازی معاف شود و با اینکه شناسنامه آنها بیانگر جدایی‌شان بود؛ اما در حقیقت از طریق ازدواج موقت با هم زندگی می‌کردند؛ کمااینکه یک مورد از آنها که مربوط به مسئولان بود، سوژه خبری کشور شده بود. او خاطرنشان کرد: البته درباره این مقام مسئول، دادگاه دستور بررسی داد و بعد که صوری‌بودن طلاق‌شان محرز شد، کارت معافیت از خدمت سربازی فرزندشان باطل شد؛ اما در شرایط کنونی هم اخباری مبنی بر اینکه بار دیگر زوج‌ها برای دریافت مستمری تعیین‌شده برای زنان سرپرست خانوار که با استناد به این قانون مستمری دریافت می‌کنند، به ازدواج صوری روی آورده‌اند، شنیده می‌شود.

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به نبود کارت‌خوان در مطب‌ها

فرار مالیاتی به سبک پزشکان

سمیرا حسینی: گرفتن زیرمیزی، خطای پزشکی، گرفتن آفر از تجهیزات پزشکی و این‌بار نداشتن کارت‌خوان در مطب به دلیل فرار از مالیات و تعرفه‌های پزشکی. این اولین بار نیست که عملکرد پزشکان حاشیه‌ساز می‌شود این بار نیز نداشتن کارت‌خوان در مطب‌ها خبرساز و واکنش‌برانگیز شده، به شکلی که از روز پنجشنبه تعدادی از کاربران در شبکه‌های اجتماعی با هشتگ‌های پزشک فراری از کارت‌خوان و پزشک فراری از مالیات به آن واکنش نشان داده‌اند. موضوع فرار از مالیات این قشر پردرآمد در حالی مطرح می‌شود که حتی کارگران و کارمندانی با درآمدهای پایین نیز مالیات پرداخت می‌کنند، اما برخی از پزشکان با درآمدهای میلیاردی حاضر به پرداخت مالیات نیستند و برای فرار از آنکه میزان دقیق درآمدشان مشخص نشود، یا حاضر به گذاشتن کارت‌خوان در مطب نیستند یا کارت‌خوان را به نام منشی یا یکی از نزدیکانشان می‌گیرند؛ اقدامی که بسیاری از کاربران منتقد به این اقدام، آن را نه‌تنها یک تخلف اقتصادی، بلکه عملی غیراخلاقی و برخلاف قسم‌نامه پزشکی دانستند. با مروری بر نوشته‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی، به نظر می‌رسد موضوعی که از چشم بسیاری از آنان دور ماند، تخلف در تعرفه تعیین‌شده از سوی وزارت بهداشت است؛ موضوعی که سخنگوی وزارت بهداشت نیز در گفت‌وگو با «شرق» آن را تأیید می‌کند. در این‌باره یک کاربر توییتی به این شرح نوشت: «دکتر... که فوق‌تخصص آنکولوژی و سرطانه. سه سال پیش صد هزار تومن ویزیتش بود. اون که دستگاه کارت‌خوان نداشت به‌راحتی این پول رو از بیماران سرطانی می‌گرفت که چشم امید به او داشتن». این گفته یکی از کاربران توییتر پس از حاشیه‌سازشدن نبودن کارت‌خوان در مطب پزشکان بود. به گفته او، سه سال پیش پزشک فوق‌تخصص در مطب از آنها صد هزار تومان پول ویزیت گرفته است؛ مبلغی که تقریبا دو برابر تعرفه امسال وزارت بهداشت است.

فرار مالیاتی و تخلفات تعرفه‌ای

به گفته ایرج حریرچی، سخنگوی وزارت بهداشت، نداشتن کارت‌خوان در مطب یکی از راه‌های دورزدن تعرفه‌های پزشکی است. او در پاسخ به این سؤال «شرق» که آیا ممکن است نبود کارت‌خوان در مطب پزشکان به دلیل فرار مالیاتی یا تخلف تعرفه‌ای باشد، پاسخ داد: «بله ممکن است این‌طور باشد عده‌ای که نمی‌خواهند شفاف‌سازی مالیاتی داشته باشند، از این شیوه استفاده می‌کنند. اما مدتی است این موضوع مطرح شده و قراردادن

کارت‌خوان در مطب پزشکان به مطالبه مردم تبدیل شده. با توجه به اینکه قراردادن کارت‌خوان زحمتی هم ندارد، ممکن است بی‌توجهی به آن عللی مانند فرار مالیاتی و تخلفات تعرفه‌ای داشته باشد. توصیه ما این است که پزشکان در مطب دستگاه کارت‌خوان بگذارند به دلیل اینکه امروزه مردم برای دریافت خدمات درمانی به‌ویژه برای خدماتی که باید مبالغ قابل توجهی بپردازند مانند دندان‌پزشکی یا اکو قلب، معمولا این میزان را به صورت نقد همراه ندارند و مردم راحت‌تر هستند که با کارت‌خوان مبلغ آن را پرداخت کنند و وزارت بهداشت به پزشکان توصیه می‌کند برای ارائه خدمات بهتر به مردم از دستگاه کارت‌خوان در مطب استفاده کنند». حریرچی همچنین درباره اقدامات وزارت در این زمینه گفت: «به دلیل اینکه طبق قوانین فعلی، اجباری برای این کار وجود ندارد، ما فقط می‌توانیم به پزشکان توصیه کنیم این کار را انجام دهند. در این‌باره سازمان مالیاتی یا ارگان‌های مربوطه می‌توانند الزاماتی قرار دهند که تاکنون چنین اتفاقی نیفتاده است». با واکنش‌برانگیزشدن این موضوع، کاربران فضای مجازی داغ دلشان تازه شد و هریک از تجربه خود در صفحات شخصی‌شان نوشتند. یکی از کاربران توییتر در این‌باره نوشت: «دکتر... متخصص کاریوپراکتیک هم دستگاه کارت‌خوان ندارند، زمان وقت‌گرفتن منشی‌شون میگن ۱۶۰ تومن پول نقد همراه داشته باشید برای ویزیت ما کارت‌خوان نداریم». اما برخی از کاربران به تقاضای القایی برخی از پزشکان برای درآمد بیشتر اشاره کرده بودند. یکی از آنها در این‌باره نوشته بود: «دکتر... متخصص زنان در عرض ۱۰ روز رفتم پیشش، دفعه اول سونو نوشت، دفعه دوم سونو رو نگاه کرد و واسه سه روز قرص داد و دفعه سوم واسه یه ماه قرص داد، هر سه بار رو ویزیت گرفت. کارت‌خوان که نداشت هیچی، دست‌شویی مطبش هم نه مایع دست‌شویی داشت نه دستمال...». این تجربه‌ای است که دیگر کاربران نیز به نوع دیگری آن را تجربه کرده‌اند به طوری که به گفته کاربر دیگری «دکتر... متخصص زنان نه‌تنها کارت‌خوان نداره، بلکه سونوگرافی رو هم همون‌جا انجام می‌ده و جای دیگه رو قبول نمی‌کنه. برای آزمایشات هم می‌فرسته آزمایشگاه...». به گفته برخی دیگر از کاربران توییتر، تعدادی از پزشکان کارت‌خوان دارند، اما از آن استفاده نمی‌کنند. یکی از آنها این‌طور نوشته بود: «دکتر... کارت‌خوان تزئینی داشتن البته همه را مجبور می‌کردن برن عابربانک نزدیک مطبشون پول بگیرن». نظر ایرج فاضل، رئیس نظام‌پزشکی، در این‌باره چیست؟ او کارت‌خوان را یک وسیله تسهیلاتی برای مراجعه‌کنندگان به مطب پزشکان می‌داند و در این‌باره در پاسخ به پرسش «شرق»، می‌گوید: «ما پزشکان را به قراردادن کارت‌خوان در مطب‌هایشان تشویق می‌کنیم، اما اجباری قانونی برای آن وجود ندارد بنابراین امری اختیاری است و پزشک به اختیار خود می‌تواند این دستگاه را در مطب خود قرار دهد یا ندهد. این مسئله نظام‌پزشکی نیست به دلیل اینکه قانونی برای آن وجود ندارد و اگر الزام قانونی برای آن در نظر گرفته شود، مقامات مربوطه باید آن را پیگیری کنند».

میوه‌فروشی یا مطب؟

«یک بار رفتم دکتر، دیدم کارت‌خوان داره، کشیدم، وقتی کشیدم دیدم نوشته میوه‌فروشی جلالی». این گفته یکی از کاربران توییتر درباره یکی‌دیگر از روش‌های فرار پزشکان از مالیات است؛ موضوعی که غلام‌حسین دوانی، کارشناس ارشد مالیاتی نیز آن را تأیید می‌کند. دوانی در گفت‌وگو با «شرق» دراین‌باره گفت: «پزشکان نیز مثل بقیه مردم هستند و امتیاز بیشتری از آنها ندارند. آنها نیز وقتی می‌بینند خیلی‌ها از مالیات فرار می‌کنند، ترجیح می‌دهند از مالیات فرار کنند. برای این‌کار هم دستگاه کارت‌خوان در مطب نمی‌گذارند؛ اگر هم بگذارند، آن را به اسم منشی یا فرد دیگری می‌گیرند». از او می‌پرسم به نظرتان چرا روی این تخلف نظارت نمی‌شود؟ این پاسخ اوست: «مگر روی بقیه چیزها نظارت می‌شود که روی این نظارت شود؟ مدت‌هاست نظارت تعطیل شده است. وقتی بر ارز تخصیصی چهارهزارو ۲۰۰تومانی نظارت وجود نداشته است، چگونه می‌خواهیم بر پزشکان نظارت کنیم؟».

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه اول

رژیم حقوقی دریاچه مازندران در لبه پرتگاه

● **نتیجه اینکه:**

اولا، این کنوانسیون حقوق مساوی، مشترک و مشاع ما را از بین می‌برد.

ثانیا، تحدید حدود عملا انجام شده است زیرا تقسیم پهنه آبی دریاچه به آب‌های داخلی، آب‌های سرزمینی (به عرض ۱۵ مایل دریایی از خطوط مبدأ) و منطقه ماهیگیری (به عرض ۱۰ مایل دریایی) عملا به تقسیم دریاچه می‌انجامد و در بند یک ماده هشت کنوانسیون تصریح شده است: «تحدید حدود بستر و زیربستر دریای خزر به مناطق بر حسب توافق کشورهای با ساحل مجاور و مقابل با درنظرگرفتن اصول و موازین عموما شناخته‌شده حقوق بین‌الملل به‌منظور اعمال حقوق حاکمه آنان در بهره‌برداری از منابع زیربستر و سایر فعالیت‌های اقتصادی قانونی مرتبط با توسعه منابع بستر و زیربستر انجام خواهد گرفت».

ثالثا، نکته مهم اینکه اگر تعیین خطوط مبدأ به بعد موکول شده است عرض آب‌های سرزمینی که ۱۵ مایل دریایی از خطوط مبدأ تعیین شده چگونه به‌دست خواهد آمد؟

رابعا، به نظر می‌رسد با توجه به اینکه فرمودند تحدید حدود و خطوط مبدأ ممکن است ۵۰ سال به طول انجامد، بیش از آن چیزی که در این کنوانسیون دیده شده است چیز دیگری نصیب ما نخواهد شد و با عنایت به معلوم‌نبودن خط مبدأ معلوم نیست ۱۵ مایل دریایی را از کجا محاسبه خواهند کرد.

ریاست دبیرخانه دریای خزر گفته‌اند که در کنوانسیون مورد بحث همه نکات مثبت قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را گرفته و نکات منفی آن را رها کرده‌اند؛ ای کاش به بعضی از نکات مثبت برگرفته و نکات منفی رهاشده اشاره می‌کردند.

از طرف ملت قهرمان و مسلمان ایران که در طول هشت سال دفاع مقدس جان عزیز را بر کف گذاشته با نثار خون بهترین عزیزان خود از وجب به وجب خاک پاک جمهوری اسلامی ایران در مقابل دشمنان مزدور و متجاوز دفاع کرده‌اند، استدعا و التماس می‌کنیم «دست نگهدارید». از قضاوت تاریخ نسل‌های آینده بترسید و این کنوانسیون را رسما منتشر کنید و اجازه دهید که فرزندان برومند عاشق وطن و حقوق‌دانان و صاحب‌نظران روی آن کار کارشناسی کرده و نتیجه را به استحضار ملت شریف ایران برسانند. همچنین از مجلس شورای اسلامی استدعا می‌شود برابر اصل هفتادوهفتم قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد» و اصل هفتادوهشتم مبنی‌بر اینکه: «هر گونه تغییر در خطوط مرزی ممنوع است مگر اصلاحات جزئی با رعایت مصالح کشور به شرط اینکه یک‌طرفه نباشد و به استقلال و تمامیت ارضی کشور لطمه نزند و به تصویب چهارپنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی برسد» رسالت تاریخی و قانونی خود را به انجام برسانند.

برای مقایسه رژیم حقوقی موجود با کنوانسیونی که قرار است تا چندساعت دیگر به امضا برسد، رژیم حقوقی دریاچه مازندران را در سه بخش ۱- قبل از اتحاد جماهیر شوروی ۲- در زمان اتحاد جماهیر شوروی و ۳- بعد از فروپاشی شوروی بررسی می‌کنیم:

● **بخش اول؛ رژیم حقوقی دریاچه مازندران قبل از به‌وجودآمدن اتحاد جماهیر شوروی:**

سوابق تاریخی نشان می‌دهد که دریاچه مازندران یا «دریای کاسپین» از عهد باستان به ایرانیان تعلق داشته و نام «کاسپین» از نام قوم آریایی کاسپی گرفته شده و پس از تثبیت قلمرو حاکمیت دولت‌های ایران و روس تا امتداد سواحل آن همواره بین دو کشور مشترک بوده است.

قدیمی‌ترین قراردادی که بین ایران و روسیه منعقد شده و به مسائل دریای مازندران اشاره دارد، مربوط است به سال ۱۷۳۲ میلادی که مقرر می‌دارد: «چنانچه کشتی تجاری متعلق به اتباع روسیه در دریای مازندران آسیب دیده و بیم آن برود که خساراتی به اموال آن وارد شود، از دولت ایران انتظار می‌رود امکانات خود را به کار گیرد تا اموال آن مورد دستبرد قرار نگیرد و در حد امکان برای نجات کشتی کمک کند» و همچنین از ایران خواسته شده که اجازه توقف کشتی‌های تجاری روسی در بنادر خود را جهت تخلیه کالا و بارگیری صادر کند. این قرارداد گویای استیلا و هژمونی آن روز نیروی دریایی ایران در دریای کاسپین بوده که روس‌ها را ناگزیر از استمداد از ایران کرده است. نکته بسیار مهم اینکه حتی در قرارداد ترکمانچای جز محدودکردن حاکمیت ایران در استفاده از کشتی‌های جنگی، محدودیت دیگری برای ایران در بهره‌برداری از دریاچه مازندران وجود نداشته، به‌عبارت دیگر می‌توان گفت در بهترین شرایط و اوج اقتدار افشاریه و در بدترین شرایط؛ یعنی در زمان قرارداد ترکمانچای خللی در اصل بهره‌برداری مشترک دو دولت از این دریاچه ایجاد نشده است و از دیگر معاهدات منعقده بین ایران و روسیه در سده ۱۸ میلادی، حقوق مساوی و مشترک به صراحت مستفاد می‌شود.

● **بخش دوم؛ رژیم حقوقی دریاچه مازندران در زمان اتحاد جماهیر شوروی:**

با روی‌کارآمدن جمهوری سوسیالیستی در روسیه، معاهدات قبلی که ناقض حاکمیت نیروهای نظامی ایران در دریاچه مازندران بود فسخ و حاکمیت کامل ایران بار دیگر اعاده شد. عمده معاهدات میان دو کشور در سده ۲۰ میلادی معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ است.

به موجب قسمتی از فصل اول عهدنامه مودت ۱۹۲۱، دولت شوروی تمام معاهدات و قراردادهایی را که دولت روسیه با ایران منعقد کرده و حقوق ملت ایران را تضییع نموده ملغی و از درجه اعتبار ساقط اعلان می‌نماید.

به موجب قسمتی از فصل سوم عهدنامه، طرفین معظمتین متعاهدتین با حقوق مساوی از رودخانه اترک و سایر رودخانه‌ها و آب‌های سرحدی بهره‌مند خواهند شد.

به موجب فصل یازدهم، عهدنامه ترکمانچای را که حق داشتن بحریه را در بحر خزر از ایران سلب کرده، از درجه اعتبار ساقط دانسته، طرفین رضایت می‌دهند که از زمان امضای این معاهده هر دو بالسویه حق کشتی‌رانی آزاد در زیر بیرق‌های خود در بحر خزر را داشته باشند.

عهدنامه ۱۹۲۱ به‌طور آشکار بر «حقوق مساوی» طرفین تأکید کرده است. بعضی از نویسندگان مرقوم فرموده‌اند که عهدنامه ۱۹۲۱ بر حقوق مساوی طرفین با تصریح بر امر کشتی‌رانی تأکید کرده، حال آنکه این تصریح منحصر به کشتی‌رانی نیست، بلکه هرکجا که قبلا حقوقی از ایران تضییع شده عهدنامه صراحتا به حقوق مساوی تأکید کرده است.

کمااینکه در فصل دوازدهم با دقتی خاص تصریح شده علاوه‌بر آنچه در فصول ۹ و ۱۰ ذکر شده، سایر امتیازات که دولت سابق تزاری عنفا برای خود و اتباع خود از دولت ایران گرفته بود از درجه اعتبار ساقط می‌شود.

در تاریخ پنجم فروردین‌ماه ۱۳۱۹ هجری‌شمسی مطابق با ۲۵ مارس ۱۹۴۰ قرارداد دیگری با نام قرارداد بازرگانی و بحرپیمایی بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در تهران به امضا رسید. این قرارداد نیز بر اساس «اصل تساوی حقوق» در مورد حضور مشترک و با حقوق مساوی در دریاچه مازندران منعقد شده است.

مواد ۱۲ و ۱۳ قرارداد ۱۹۴۰ بر حق کشتی‌رانی آزاد برای طرفین در کلیه دریاچه تأکید کرده و تصریح شده با کشتی‌های هر یک از طرفین در بنادر طرف دیگر از هر حیث مانند کشتی‌های خودی رفتار می‌شود.

اصل «برابری رفتار» و «شرایط یکسان» در تمامی زمینه‌ها اعم از تردد کشتی‌ها، پذیرش در بنادر، اخذ عوارض، حق کابوتاژ و بهره‌مندی از مزایای دیگر برای کشتی‌های طرفین رعایت شده است.

از لحاظ ماهیگیری صرف‌نظر از یک نوار ده‌مایلی ساحلی که به‌طور انحصاری (فقط از لحاظ ماهیگیری) به کشور ساحلی تعلق دارد، صید ماهی در سرتاسر بقیه دریاچه برای هر دو کشور آزاد است.

لازم به یادآوری است که در زمان انعقاد عهدنامه‌های مورد بحث نمونه‌های بارز حقوق متصوره در دریاچه، کشتی‌رانی و ماهیگیری بوده و هنوز منابع و ذخایر متنوع دیگر به ویژه نفت و گاز کشف نشده بوده است.

علاوه بر قراردادهای مذکور، در مکاتبات معموله بین دو کشور همواره به حقوق مشترک و مساوی طرفین در تمامی زمینه‌ها تصریح شده است. از جمله در قسمتی از مراسله شماره ۱۷۸۷ مورخ ۲۶ ایون ۱۹۱۹ کمیسر ملی امور خارجه روسیه به رئیس الوزرای ایران است.

سند مهم دیگر اینکه در بند ۲ مراسله کمیسر ملی امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی که درخصوص تسلیم بندر انزلی در تاریخ اول اکتبر ۱۹۲۷ مکاتبه‌شده و به صراحت دریاچه مازندران را «منفعت مشترک انحصاری ایران و شوروی» می‌داند.

سند دیگر پاسخ سفیر کبیر اتحاد جماهیر شوروی به تاریخ ۲۵ مارس ۱۹۴۰ درخصوص مکاتبات معموله در مورد فصل هفتم عهدنامه مودت ۱۹۲۱ که از این سند این نتیجه حاصل می‌شود که دریاچه مازندران «دریای ایران و شوروی» است.

● **بخش سوم رژیم حقوقی دریاچه مازندران بعد از فروپاشی شوروی:**

آیا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی می‌تواند حقوق حقه جمهوری اسلامی ایران را در دریاچه مازندران تضییع کند؟

بعد از فروپاشی ۱۹۹۱، لزوم پایبندی جمهوری‌های جدید قائم‌مقام اتحاد جماهیر شوروی به مفاد قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ و احترام به رژیم حقوقی موجود نه تنها ناشی از اصول حقوق بین‌الملل عمومی است، بلکه رسما نیز توسط آنها در بیانیه آلماتی مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ مورد تأیید قرار گرفته و کلیه دولت‌های مستقل مشترک‌المنافع اجرای تعهدات ناشی از قراردادهای شوروی سابق را تضمین کرده‌اند و مستندا به سند شماره A/۴۹/۴۷۵ مورخ پنج اکتبر ۱۹۹۴ و نظریه رسمی فدراسیون روسیه به عنوان جانشین شوروی سابق، جمهوری‌های جدید ساحلی دریاچه مازندران نیز باید معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ را بپذیرند. اصل «تغییر فاحش اوضاع و احوال» شامل قراردادهای مرزی ازجمله آب‌های مشترک نمی‌شود و از طرفی آثار این اصل مربوط به منطقه قبلی آنهاست؛ نه کشورهای همسایه. به عبارت دیگر ماترک مورث بین ورثه تقسیم می‌شود، نه اموال همسایه.

نظام حقوقی مشترک، درباره دریاچه‌های مشترک از سوی کشورها پذیرفته شده و آرای صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری نیز آن را تأیید کرده است.

دیوان بین‌المللی دادگستری در رأیی که در سال ۱۹۷۳ میلادی صادر کرده، اعلام کرده که اصل تغییر فاحش اوضاع و احوال شامل مواردی می‌شود که موجودیت یا توسعه حیاتی یکی از طرف‌های معاهده را به مخاطره افکند. معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ هیچ‌گاه موجودیت یا توسعه حیاتی طرفین معاهده را به مخاطره نینداخته است.

موارد بحث‌شده در واقع اقتباسی از کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درباره حقوق معاهدات است که به صراحت ابراز داشته عطف‌به‌ماسبق نمی‌شود؛ بنابراین با درنظرگرفتن همه ضوابط و شرایط کنوانسیون ۱۹۶۹ و حقوق بین‌الملل عرفی معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ معاهداتی سالم و معتبر به شمار می‌آیند.

جمهوری اسلامی ایران در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی چه نقشی داشته که باید طبق اصل «تغییر فاحش اوضاع و احوال» حق مسلم ما از یک‌دوم به یک‌پنجم تقلیل یابد. پاسخ ما به کسانی که سعی کرده‌اند یک امر مختومه متروکه را مجددا مطرح کرده و خط موهوم و فرضی آستارا - خلیج حسین‌قلی را به‌عنوان مرز آبی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سابق معرفی کنند، این است که: این خط فرضی طبق موافقت‌نامه هوایی ۱۹۶۴ میان دو کشور صرفا برای تعیین «محدوده منطقه اطلاعات پرواز» (flight information region) به کار رفته و حتی به مسئله پرواز بر فراز دریاچه مازندران نیز اشاره‌ای نکرده است.

● **پیشنهادها:**

۱- تأکید بر اصل «تساوی حقوق در همه زمینه‌ها» طبق قراردادهای موجود.

۲- پافشاری روی ۵۰ درصد حقوق مشترک، مساوی و مشاع.

۳- موافقت‌نکردن با افزایش عرض منطقه انحصاری ۱۰مایلی موجود.

۴- تأکید بر اینکه حقوق انحصاری نوار ۱۰مایلی ساحلی فقط مربوط است به ماهیگیری و نه غیر از آن.

۵- خودداری از به‌کاربردن عبارت «تعیین رژیم حقوقی دریاچه مازندران» و استفاده از عباراتی مانند «تکمیل رژیم حقوقی» یا «تحکیم رژیم حقوقی».

۶- اقدام لازم در راستای احقاق حق و دریافت سهم جمهوری اسلامی ایران از برداشت‌های یک‌طرفه اتحاد جماهیر شوروی سابق و کشورهای جدید از منابع انرژی دریاچه مازندران.

۷- سعی در تشکیل یک نهاد منطقه‌ای برای همکاری، هماهنگی، سیاست‌گذاری و بهره‌برداری مشاع و مشترک از منابع دریاچه مازندران به نسبت ۵۰ درصد برای جمهوری اسلامی ایران و ۵۰ درصد برای جمهوری‌های قائم‌مقام شوروی سابق.

۸- مخالفت جدی با احداث خط لوله از بستر دریاچه به دلایل زیست‌محیطی.

۹- تلاش در راستای تعیین مسئولیت کشورهای ساحلی در قبال خسارات واردشده به محیط زیست.

۱۰- تلاش در راستای غیرنظامی‌کردن دریاچه.

۱۱- تلاش در راستای جلوگیری از تردد کشتی‌های بیگانه به استناد ماده ۱۳ قرارداد ۱۹۴۰.

۱۲- ترسیم تمام دریاچه مازندران به طور کامل جزء نقشه جمهوری اسلامی ایران، در کتاب‌های درسی و نقشه‌های رسمی.

خبر

۳ مسیر برای راه‌اندازی تراموا در پایتخت

● معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران از تعیین سه مسیر برای راه‌اندازی خطوط تراموا یا LRT خبر داد. محسن پورسیدآقایی، گفت: در منطقه ۱۲ و در رینگ گردشگری آن یعنی میدان بهارستان تا محدوده بازار، خط اتوبوس جمهوری - بهارستان و خط راه‌آهن به تجریش مورد بررسی است و در صورت ارزیابی‌های نهایی یکی از این مسیرها برای راه‌اندازی LRT انتخاب خواهد شد. میزان توجیه‌پذیربودن سه مسیر در حال مطالعه است اما هنوز بررسی‌های آن نهایی نشده است. پورسیدآقایی با بیان اینکه برای راه‌اندازی خط LRT باید حتما از ظرفیت بخش خصوصی استفاده کنیم، افزود: حضور سرمایه‌گذار بخش خصوصی و توجیه‌پذیربودن راه‌اندازی آن در یکی از سه مسیر اعلامی باید احصا شود تا نسبت به راه‌اندازی LRT اقدام کنیم. LRT یا Light Rail Transit یک نوع قطار سبک شهری است که از یک، دو یا سه واگن تشکیل شده است. LRT در واقع همان حمل‌ونقل ریلی سبک یا تراموا است که به‌عنوان یک وسیله تندرو می‌توان در شهر از آن استفاده کرد.

خشونت و اعتیاد مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی کشور

● معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی گفت: مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی در شرایط فعلی بحث خشونت، اعتیاد و نبود نگاه سیستمی در برنامه‌ریزی کشور است که این موارد باید در دستور کار شورای اجتماعی کشور قرار بگیرد. حبیب‌الله مسعودی‌فرید، با تأکید بر انجام برنامه‌ریزی برای مسائل اقتصادی و آموزشی در کشور، تصریح کرد: در حوزه مقابله با آزار و اذیت کودکان باید به خانواده‌ها اطلاع‌رسانی شود تا نسبت به این موارد آگاه شوند. مسعودی‌فرید، به میزان آزار و اذیت کودکان در کشور اشاره کرد و گفت: هرچند به لحاظ آماری، وضعیت آزار و اذیت کودکان در کشور ما نگران‌کننده نیست اما اثرگذاری و ماندگاری این نوع آسیب‌ها، بالاست.

۱۲۸ نفر سال گذشته غرق شدند

● **شرق:** معاون فنی و مدیر گروه پیشگیری از حوادث دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت، از فوت ۱۲۸ نفر بر اثر غرق‌شدگی در سال ۹۶ خبر داد. علیرضا مغیثی گفت: غرق‌شدگی سومین عامل مرگ در کودکان زیر ۱۵ سال بعد از بیماری‌های سل و سرخک و جزء ۱۰ عامل اصلی مرگ در افراد زیر ۲۵ سال است. در دنیا بیشترین غرق‌شدگی در حوضچه و سپس در آبگیر اتفاق می‌افتد. غرق‌شدگی در دریا و دریاچه هفت درصد کل مرگ‌های ناشی از غرق‌شدگی در دنیا را تشکیل می‌دهد. او افزود: الگوی غرق‌شدگی در سه استان شمالی کشور بسیار متفاوت با سایر مناطق است. در این مناطق خانواده‌هایی که برای گذراندن تعطیلات و به قصد تفریح به شمال کشور سفر می‌کنند، به‌طور ناخودآگاه درگیر این پدیده می‌شوند. سواحل شمالی کشور در استان‌های مازندران، گیلان و گلستان با دارابودن مجموعا ۷۴۰ کیلومتر ساحل که باید رودخانه‌های محلی را به این مقدار افزود، به‌طور سنتی به‌عنوان تفرجگاه عمومی مورد استفاده مسافران قرار می‌گیرند. او ادامه داد: بر اساس ثبت‌های موجود، کل تعداد غرق‌شدگان در سال ۹۶، ۵۳۰ نفر بوده است که متأسفانه ۱۲۸ نفر (۲۴ درصد) از آنها فوت شدند. از نظر جنسیت، از کل کسانی که دچار حادثه غرق‌شدگی شدند، ۷۳.۴ درصد مرد و ۲۶.۶ درصد زن بودند و از کل فوت‌شدگان این حادثه ۸۲.۰۳ درصد مرد و ۱۷.۹۷ درصد زن بودند. مغیثی بیان کرد: ۶۰ درصد از قربانیان غرق‌شدگی در این سال، زیر ۳۰ سال و ۱۱ درصد از آنان، زیر ۱۰ سال داشتند. در آمارهای جهانی گفته می‌شود که غرق‌شدگی دومین عامل مرگ در یک تا ۱۴ سالگی بر اثر آسیب‌های غیرعمدی است.

او افزود: رقم مرگ در محدوده سنی زیر ۱۵ سال ناشی از غرق‌شدگی در شمال کشور، با توجه به ثبت‌های موجود، ۲۱ نفر بوده است که ۱۶.۴۱ درصد موارد مرگ را تشکیل می‌دهد که رقم شایان‌توجهی است.

معاون فنی و مدیر گروه پیشگیری از حوادث دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت، اضافه کرد: تعداد کسانی که در محدوده سنی ۱۵ تا ۳۰ سال فوت شده‌اند، ۵۹ نفر بوده است که حدود ۴۶.۰۹ درصد موارد مرگ را شامل می‌شود. از کل موارد غرق‌شدگان، در محدوده خارج از طرح دریا، ۱۶.۷۹ درصد فوت شدند و ۶۳.۰۲ درصد با احیا نجات یافتند. نسبت توفیق در احیا (نجات) در گروه سنی ۵۵ تا ۵۹ سال بیشتر بوده است. مغیثی گفت: ۹۰ درصد بیشترین موارد غرق‌شدگی در گروه سنی ۲۵ تا ۳۰ سال و بیشترین مرگ ناشی از غرق‌شدگی در همان گروه سنی بوده است. از کل غرق‌شدگان ۱۴.۵۳ درصد در محدوده داخل طرح غرق شدند و ۷۹.۸۱ درصد حوادث در محدوده خارج طرح بوده است.